

به قلم دکتر حمیدرضا آیت اللهی

۲۰ سال پیش «جهانی شدن» محور بسیاری از فعالیت های پژوهشی دنیا گردیده بود، مخصوصا که از بعد اقتصادی به سایر ابعاد زندگی بشر همانند فرهنگ نیز در حال بسط بود. برخی کشورها منفعلانه خود را در اختیار این فرآیند قرار دادند ولی کشورهای استعمارگر تمام تلاششان را کردند که بر موج این تغییر جهانی سوار شوند. این جوامع سعی می کردند که «جهانی شدن» را به «جهانی سازی» و در نتیجه به «غربی سازی» سوق دهند. آمریکا نیز قلدر مابانه از همه ابزارش استفاده کرد تا آن را به «آمریکایی سازی» کل دنیا تغییر جهت بدهد. اما جهانی شدن می توانست موقعیتهایی برای سایر ملل فراهم کند که برخی فعالیت های ما ایرانیان و چینی ها و روس ها نیز استفاده از این فرصت علی رغم تهدید جدی آمریکا بود.

آمریکا و دیگر همپالگی هایش در طول این 20 سال در جای جای تمدن و فرهنگ و اقتصاد جهانی با موج سواری در عالم جهانی شده استفاده کرده اند و توانسته اند انبوهی از مردم سایر کشورها را با ابزارهایی مثل فیلم های سینمایی، بازی های رایانه ای، رسانه های خبری، شبکه های اجتماعی و فضای مجازی بدنبال خود بکشند. گرچه چینی ها در اقتصاد از این فرصت استفاده کرده و جریان جهانی اقتصاد را بدست گرفتند و سعی کردند با سخت افزارهای خودشان در جهان و نرم افزارهای بومی در چین جلوی بسط آمریکایی سازی را بگیرند ولی این سرطان آنچنان ریشه دوانیده است که به این سادگی ها نمی توان حضور بیشتری در آن میدان جهانی پیدا کرد.

تمامی این شبکه های فعالیت و نفوذ آمریکا بگونه ای عمیق با کلیه زوایای زندگی سایر ملتها ریشه دوانیده بود که اگر می خواستی این زنجیره بهم پیوسته را از نفوذ او درآوری با بحران های منطقه ای و جهانی مواجه می گشتیم.

در این شرایط کرونایی جهان، به یکباره این زنجیره و شبکه نفوذ از کار افتاد و گویا تمامی زنجیره از هم گسسته است. روشن ترین و گسترده ترین جلوه جهانی شدن ارتباط های بین المللی مخصوصا در سفرهای کاری و گردشگری جهانی بود که کاملا متوقف شده است. در صورت ادامه این وضعیت تا چندماه دیگر ابعاد دیگر جهانی شدن مثل اقتصاد جهانی به شدت تغییر خواهد کرد و زنجیره های اقتصادی پاره خواهد شد. وضعیت کنونی جهان شبیه وضعیت یک کشور پس از انقلاب است که سیستم قبلی حکومت از هم می پاشد. در این صورت باید سیستمی جایگزین فعال شود. از آنجا که هیچگاه کسی احتمال این گسست را نمی داد لذا هیچ سیستم تنظیم شده دیگری طراحی نشده است. در این شرایط بمانند شرایط پس از انقلابها هرج و مرج جاری می شود. در این شرایط هرگروهی غیر از گروه های حاکم قبلی امید

پیدا می کند که می تواند عنان قدرت را در دست بگیرد و سعی خواهد کرد سیستمی جایگزین را برپا کند.

شرایط پس از کرونا و گسست جهانی سازی بهترین موقعیت است که کسانی بتوانند در عرصه بین الملل به پی ریزی سیستم های خودشان با ارزشهای خاص و متفاوت نسبت به قبل برپا کنند. درست است که کلیه توان اجرایی کشورها در جهت مقابله با کرونا بسیج شده است ولی در این بسیج فراگیر جایی برای نظریه پردازان و سیستم پردازان برای کمک به کشور وجود ندارد. لذا پیشنهاد می شود نظریه پردازان کشور، سیستم پردازان، اندیشمندان روابط بین الملل، استراتژیست های کشور و افرادی در این سطح و در کلیه رشته های مرتبط بجای حضور منفعلانه نسبت به شرایط موجود، اتاقهای فکر در فضای مجازی برپا کنند و با آینده نگری، سعی کنند انواع حضور فعال جهانی را ترسیم کنند و برای شرایط متفاوت بعد از کرونا برنامه هایی را ارائه کنند. در حضور دوباره در فضای جهانی هرکه زودتر اینگونه دور اندیشی ها را داشته باشد جلوتر خواهد بود. این موقعیتی استثنایی برای کشور هایی مثل ماست. امید است با یاری خداوند بتوانیم زمینه پیدایش تمدنی جدید را در دنیا پایه ریزی کنیم.

پس اندیشمندان بپاخیزید و از این شرایط تکرارنشده، برای مسلط ساختن ارزشهای متعالی اقدام کنید.